

مجالس المومنین اثر قاضی شهید نورالله شوشتری بدون شک، نخستین دایره المعارف شیعی، و یا نخستین تاریخ تشیع دقیق و عالمانه و منظم به شمار می آید. ذیلاً شرحی کوتاه در باره این اثر و نکات مهمی که وی در خاتمه آن کتاب یاد آور شده، تقدیم خوانندگان بسیار عزیز می کنم.

قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹) یکی از نویسندگان بسیار خوش ذوق، صاحب سبک، خلاق و مبتکر و از جهاتی از زمان خود جلوتر است. غالب آثار وی نیکوست و از او چهره یک شیعی متدین، اما در عین حال معتدل نشان می دهد. اثری با ارزش از آثار وی که از نظر تصحیح به سهم بنده درآمد، مسئله یوسفیه است که خواندن آن را به تمام کسانی که علاقه به تشیع اعتدالی دارند، توصیه می کنم. و اما در اینجا بحث من در باره اثر دیگری از اوست.

یکی از دست داشتنی ترین کارهای وی، دست کم برای بنده، کتاب مجالس المؤمنین است. اثری که به نظرم، یک شاهکار تاریخی به حساب آمده و از جهات مختلف، اثری کاملاً بدیع در حوزه تاریخ تشیع با تقسیم بندی های دقیق، رویکرد کاملاً مشخص و تعریف شده و اطلاعات قدیم و جدید است.

بنده غالباً در درس تاریخ تشیع، توضیح می دهم که این اثر، یک اثر ابتکاری و علمی در تاریخ تشیع است. در باره مذاهب، بحث طبقات نگاری همیشه وجود داشت. مثلاً طبقات شافعی ها، یا حنفی ها، و... اما مجالس المومنین، درست مثل آثاری که در عصر جدید در تاریخ نگاری باب شد، یک تاریخ به معنای واقعی است. به سخن دیگر، یک شعور علمی پشت سر تالیف این اثر است، یک تعریف مشخص از شیعه و تشیع که ممکن است برخی آن را نپذیرند، اما قاضی نورالله می داند که چه تعریفی دارد و آن را چگونه باید توضیح دهد و مستند کند.

تاکید می کنم، این اثر، نخستین اثر در حوزه تاریخ تشیع، حتی به معنای امروزی آن است که البته در دیروز نوشته شده است می توان آن را اثری دایره المعارفی هم در حوزه تشیع دانست. بخش جغرافی، رجال و دیگر موضوعات آن، ما را با فرهنگ و تاریخ شیعه آشنا می کند. این کتاب، در میان شیعیان، مقبولیت عام یافت، نسخه های فراوانی از آن استنساخ شد، یک بار در دو جلد، و بار دیگر، در سالهای اخیر در هفت مجلد توسط محققان بنیاد پژوهشهای اسلامی منتشر شده است.

تقسیم بندی درونی این کتاب، از باب اشتمال آن بر تمامی آنچه که این اثر را به عنوان اثری عالمانه در تاریخ تشیع یا دایره المعارف شیعی نشان می دهد، بسیار جالب است. بحث از جغرافیای شیعه و توجه دادن به این که تشیع در کدام یک از بلاد اسلامی از قدیم تا روزگار او بوده، حتی برخی از روستاها و قرای شیعه مانند دوریست یا همین طرشت تهران، در این بخش گزارش شده و اطلاعات مربوط بر اساس منابعی که در اختیار او بوده در آن درج شده است. تشیع در میان قبایل عرب، فصل دیگری از کتاب است؛ ربیع و مذحج و خزاعه و بسیاری از طوایف دیگر. رجال برجسته شیعی در بخش دیگری آمده است. قسمی خاص به متکلمان و محدثان و فقیهان و مجتهدان معروف اختصاص یافته و شرح حال آنان درج شده است. تشیع در میان صوفیه بخش دیگری از کتاب است، امری که برخی را بر آن داشته است تا قاضی را متهم کنند بی دلیل شماری از بزرگان صوفیه را در زمره شیعه قلمداد کرده است. لاجرم باید دانست که در تعریف قاضی از تشیع باید این ملاحظه را ملحوظ داشت که علائق صوفیانه و تشیع که طی دو سه قرن پیش از عصر قاضی با یکدیگر ممزوج شده بود، به علاوه اصل

تقیه، و پنهان کاری شیعیان، نیز این زمینه را فراهم کرده که اگر نشانی یافت، اظهار تسنن او را حمل بر تقیه نماید. به هر روی این عوامل، زمینه را برای درج شرح حال کسانی که صراحت زیادی در داشتن تشیع امامی شان نبوده اما علائمی بوده، سبب شده تا قاضی نام آنان را در میان شیعیان بیاورد. وزاری شیعی، بخش دیگری از کتاب است. چهره های برجسته ای که در بسیاری از دولت ها، از جمله عباسیان و سلجوقیان بودند و غالبا از اهالی شهرهای شیعه مانند کاشان و قم و حتی منتسب به بسیاری از روستاهای شیعه بودند. شعرای شیعه، بخشی عرب و بخش دیگر عجم، از مباحث مهم دیگر قاضی است، کسی که دقیقا توجه دارد که ادبیات شیعی چه جایگاهی در میان تشیع دارد.

اما آنچه سبب نوشتن این مطلب شد، نکاتی است که قاضی در خاتمه کتاب مجالس نوشته و نکاتی را یادآوری کرده که جالب است. نکاتی است در باره چگونگی نگارش این کتاب، چگونگی برخورد با آن و چند یادآوری جالب توجه که از نقطه نظر تالیفی جالب است. اینها چند نکته اند که خودش با ذکر اول و دیگر و دیگر ... بیان کرده است. برخی از این نکات، به نظرم فوق العاده است، نکاتی که کمتر مولفی در آن روزگاران با این دقت و تفصیل به آنها توجه دارد. یکی از این موارد، اشاره به اقتباسات دزدانه از کتاب است که وی نسبت به آن هشدار می دهد. نکته دیگر، دقت در تصحیح کتاب بر اساس نسخه های درست است که به نظر وی، باید مانع از رسوخ کلمات غلط و ناصواب در آن شود. یک نکته دیگر اشاره به این است که با این اثر خواسته است پاسخ کسانی را بدهد که به خاطر ظهور دولت صفوی، گسترش تشیع را از روی اجبار می دانند، در حالی که وی کتابش را به دوره پیش از آن اختصاص داده تا نشان دهد چنین نبوده است. و نکات دیگر.

(۱) اول آنکه چون بعضی از این مجالس در ایام فراغ بال و انتظام احوال ترتیب یافته و شطری از آن را در اوقات ملال و اشتغال بصحبت ارباب جاه و جلال و خوف فرصت اتمام و استکمال درهم بافته اگر در فصاحت مفردات لحنی و تماوتی یا در بلاغۀ عبارات آن اختلاف و تفاوتی ظاهر شود حمل بر قصور و جهل این فقیر معترف بتقصیر ننمایند که مقصود از این تألیف تقرب بحضرت پروردگار و رسول مختار و ائمه اطهار و تقریب معانی آن بفهم سایر مستحقان روزگار است نه اظهار فضیلت و فصاحت گفتار و معنی مقصود بهر زبان که ظاهر شود و بهر لباس عبارت که جلوه نماید مقبول خاطر مشتاقان کوی انتظار خواهد بود

(۲) دیگر آنکه این بیچاره را توفیق تحصیل بعضی از کتب که کاشف حال عقاید و سرایر بسیاری از اکابر مؤمنان باشد میسر نشده اگر احیانا اطلاع بر احوال بعضی از ایشان یابند اضافه و الحاق آن بحاشیه این اوراق نمایند.

(۳) دیگر آنکه حکم بتکرار لفظی و معنوی در آن نکنند که اگرچه بعضی از کلمات آن در اول نظر مکرر نماید اما نزد تامل و امعان نظر ظاهر می شود که در آن حکمتی و سری و نکته هست چنانکه بعضی از جهال توهم تکرار در قرآن نموده اند و حال آنکه آن منزله از تکرار است و در تحت هرکلمه چندین نکته و اسرار است.

(۴) دیگر آنکه بر وجهی که سابقا در ذیل احوال ابو تمام طائی از مجلس یازدهم مذکور شده چون بعضی از کلمات واقعه در اخبار و اشعار منقوله در این کتاب خالی از سقمی و ارتیابی نیست اگر اصلی صحیحتر از آن اخبار و اشعار بدست آرند در تصحیح آن التفات دریغ ندارند.

(۵) دیگر آنکه تخصیص این کتاب را بذکر جمعی از اکابر مؤمنان که قبل از ظهور دولت ابد اقتران سلاطین صفویه موسویه - انار الله براهینهم الجلیه - بوده اند، بی وجه ندانند، زیرا که چون مقصود اصلی از این کتاب بیان قِدم این طایفه رفیع جناب، و عدم ارتکاب تشیع بطریق اجبار و ایجاب است، و زمره معاندان، ایمان اکابر این زمان را از مقتضیات آن دولت ابد اقتران می دانند، پس ذکر ایشان در نظر آن زمره ی معاند اسلوب از قبیل مصادره بر مطلوب خواهد بود، و اگر گاهی نادری از بزرگان آن دولت یا معاصران ایشان را در بعضی از مجالس این کتاب مذکور ساخته، بنابر آنست که توهم تصرف آن دولت در ظهور ایمان ایشان بغایت دور است یا نکته دیگر که بتامل در آن ظاهر شود منظور است. [به نظر نکته فوق العاده مهمی است].

(۶) دیگر آنکه چون غرض از تالیف این مجالس اطلاع بر احوال اکابر قدماء و متأخرین فرقه ناجیه و دفع وهم تجدد و عدم تقدم مذهب ایشانست و این مقصود از مجموع مجالس دوازده گانه حاصل میشود، مأمول از فضایی دهر و ناسخان هر عصر آنکه طریق افراد بعضی از مجالس آنرا مسدود سازند و خلل در صورت منضود و معنی مقصود آن نیندازند.

(۷) دیگر آنکه چنانکه داب بعضی از قاصران است، جهت آنکه بآسانی کتابی بنام خود سازند بانتخاب و اقتصار آن نپردازند و از غضب پروردگار و امام روزگار که این کتاب بنام نامی و اسم سامی او تألیف یافته محترز باشند.

(۸) دیگر آنکه این کتاب را از مخالفان و سایر ناهلان مستور دارند که مبدا از آنجا بر احوال بلاد شیعه و طوایف ایشان اطلاع یافته بآحاد این فرقه محقه که در دیار اغیار واقع شوند آزاری رسانند یا تعرضی به مزارات اسلاف ایشان نمایند.

(۹) دیگر آنکه چون بعد از اتمام هفت نسخه از این مجالس و مقابله آنها با اصل مسوده آن این فقیر مستهام به اشاعت آن اقدام نموده، بنابراین مأمول از الطاف اخوان کرام که از آن نسخ نقل بردارند، یا آنکه همت بر تصحیح و مقابله منقول عنه گمارند تا چنانکه در اکثر کتب تواریخ و سیر بنظر میرسد به تعاقب نقل و مرور روزگار نسخه ای سقیم خاطر آزار بر روی کار نیاید و طبع لطیف ناظران را از مطالعه آن ملالت نیفزاید .

تاریخ منتسخ مولف بدین نهج است: قد وقع الفراغ من اتمامه بیده مؤلفه فی یوم الخمیس الثالث و العشرون من شهر ذی القعدة لسنة عشرة و الف، و کان افتتاحه فی مفتتح شهر رجب المرجب سنة ثمان و تسعین و تسعمائة فی بلدة لاهور صینت عن آفات الدهور [تالیف از رجب سال ۹۹۸ تا ذی قعدة ۱۰۱۰ به طول انجامیده است]. بتوفیق الله خیر الناصرین و استعانة اشرف المرسلین و اسعاد ائمة الطاهرین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین